

مرور و معرفی کتاب: طرد اجتماعی: علل و پیامدهای کوتاه‌مدت و بلندمدت^۱

مهدی ابراهیمی*

اصطلاح طرد اجتماعی (یا واپس‌زدگی)^۲، در معنایی که امروزه از آن می‌شناسیم، نخستین بار در دهه ۱۹۷۰ در فرانسه مورد استفاده قرار گرفت. طرد اجتماعی در عین این که وضعیتی ایستا از محرومیت به‌شمار می‌آید، فرایند پدید‌آورنده این محرومیت نیز تلقی می‌شود. این مفهوم، ارتباط تنگاتنگی با مفهوم فقر چندوجهی دارد، اما با آن هم‌پوشانی ندارد. هر دو مفهوم، برگرفته از دیدگاه آمارتیا سن^۳ موسوم به ناکامی‌قابلیتی^۴ هستند، با این تفاوت که در رویکرد طرد اجتماعی، این ناکامی به معنی ناتوانی در مشارکت و یا ناتوانی عملکردی^۵ است.

1. **Social Exclusion: Short and Long term Causes and Consequences** (2012), Edited by Giuliana Parodi and Dario Sciulli, Published by Physica-Verlag (A Springer Company), 264 pages.

ویراستاران: جولیا پارودی و داریو اسکیولی

ناشر: فیزیکا-ورلاگ (اشپرینگر) / سال انتشار: ۲۰۱۲ (چاپ اول) / ۲۶۴ صفحه

mehdi16359@gmail.com

* کارشناس ارشد توسعه اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

۲. طرد اجتماعی یا واپس‌زدگی اجتماعی، در این متن، معادل با Social Exclusion در نظر گرفته شده است. با توجه به این که زمانی چندان از طرح این مفهوم در محافل علمی و دانشگاهی کشور ما نمی‌گذرد و باب بحث در مورد آن در سال‌های اخیر گشوده شده است. معادل فارسی به کار رفته برای این مفهوم فعلاً جنبه پیشنهادی دارد.

3. Amartya Sen

4. Capability Failure

5. Functioning Failure

مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۱، ص. ۱۷۵-۱۸۰

تقریباً در همه تعاریفِ طرد اجتماعی، متغیرهایی مانند مسکن، بهداشت و سلامت، و آموزش را می‌توان ملاحظه کرد و مسائل و مفاهیمی همچون مشکلات مالی، نیازهای اساسی، تماس‌های اجتماعی^۱ و ناخشنودی اجتماعی^۲ نیز در برخی تعاریف آن به چشم می‌خورند. از حیث مقوله زمان، یکی از ویژگی‌های طرد اجتماعی، طولی بودن آن است. به عبارت دیگر، مدت زمان محرومیت، مؤلفه‌ای مهم در تعریف طرد اجتماعی (و نیز شکل‌گیری طرد) است. علاوه بر این، طرد اجتماعی یک جامعه را می‌توان حاصل انباشتگی طرد اجتماعی افراد آن جامعه دانست. در این کتاب، ضمن بررسی موضوعات عمومی اثرگذار بر طرد اجتماعی (بهداشت و سلامت، آموزش، و شرایط شغلی و کاری)، برخی گروه‌های آسیب‌پذیر در این حوزه (مانند معلولین و افرادی که سابقه بزهکاری دارند) مورد توجه قرار گرفته‌اند. نویسندگان کتاب همچنین تأثیر بحران اقتصادی کنونی جهان بر مسأله طرد اجتماعی را با عطف نظر به وضعیت بازارهای کار، به بحث کشیده‌اند. در بخش‌های مختلف کتاب بر خصلت دوری و دایره‌وار بودن^۴ طرد اجتماعی تأکید شده است؛ بدین معنا که عوامل ایجادکننده طرد اجتماعی، خود، برآمده از طرد هستند.

کتاب از ۳ بخش و ۱۲ فصل تشکیل شده و فصول آن توسط نویسندگان مختلف (بر مبنای طرح ویراستاران کتاب) نوشته شده است. فصل اول که پیش از بخش اول کتاب قرار گرفته و توسط ویراستاران کتاب نوشته شده، به مقدمه و کلیت مباحث کتاب اختصاص دارد. بخش اول با عنوان علل ساختاری و بلندمدت طرد اجتماعی از ۴ فصل تشکیل شده است. در فصل دوم که بهداشت و سلامت، سبک زندگی، و رشد نام گرفته، بحث بر سر این است که چرا سبک زندگی می‌تواند اثرات مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد. نویسنده (جیان لوییجی کوپولا^۵) بدین منظور، سه فرضیه را بررسی کرده است: ۱- گزینش عقلایی در زمینه مصرف کالاها می‌تواند تأثیری منفی بر سلامت افراد داشته باشد؛ ۲- افراد جامعه، تولیدکنندگان مشترک سلامت خود هستند؛ ۳- سلامتی، تأثیر مثبتی بر بهره‌وری نیروی کار دارد. در فصل سوم با عنوان تحلیلی تطبیقی از

1. Social Contacts

2. Social Dissatisfaction

3. Longitudinal

4. Circular

5. Gianluigi Coppola

میزان باسوادی به منظور دستیابی به درکی روشن‌تر از طرد اجتماعی، رابطه میان سواد و طرد اجتماعی (از حیث تأثیر این رابطه بر مقوله رشد اقتصادی) مورد بررسی قرار گرفته است. فقر و طرد اجتماعی پایدار یک فرد یا خانواده، امکان ورود آن‌ها به مسیرهای مناسب آموزشی و شغلی (مهارت‌آموزی) را کاهش می‌دهد. در این فصل، به مقوله آموزش از جنبه تقویت سرمایه انسانی هر کشور پرداخته شده و در کنار آن از رابطه‌ای بودن پویایی‌های اجتماعی بحث شده که نشان‌دهنده سرمایه اجتماعی هر جامعه است. مخاطرات حاصل از بی‌سوادی موجب می‌شود که طرد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ناخواسته از جامعه تقویت شود. توجه به برابری فرصت‌ها (در زمینه آغاز و تداوم آموزش) و نیز یادگیری مادام‌العمر از نکات مهم این فصل است و نیز این که سواد و آموزش، شالوده جامعه مدنی‌اند. جان‌مایه مباحث این فصل این است که سیاست-گذاری‌های ملی باید با ایجاد انگیزه در گروه‌های ضعیف‌تر جامعه، شمول اجتماعی^۱ آن‌ها را ارتقاء دهند.

فصل چهارم با نام آموزش و تحرک اقتصادی-اجتماعی در کشورهای پساکمونیست، روندها و الگوهای تحرک آموزشی میان‌نسلی در ۱۲ کشور پساکمونیست اروپای مرکزی و شرقی (بلغارستان، جمهوری چک، استونی، مجارستان، لاتویا، لیتوانی، لهستان، اسلوواکی، اسلونی، رومانی، اوکراین و روسیه) را مورد بررسی قرار داده است. میراث آموزشی این کشورها در ۵۰ سال گذشته - که هم‌دربرگیرنده دوران سوسیالیسم و هم‌گذار به اقتصاد بازار است- روند روشن و مشخصی را نشان نمی‌دهد. فصل پنجم که عنوان آن واکاوی حوادث صنعتی در کشورهای اروپایی با استفاده از تحلیل موسوم به پوشش داده‌ها^۲ است، علاقه روزافزون به بهبود شرایط کاری و کاهش حوادث و بیماری‌های شغلی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا را موضوع بحث خود قرار داده و در این زمینه، تعداد حوادث رخ داده در محل کار را با تمرکز بر بخش‌های اقتصادی‌ای مانند ساخت^۳ و تولید صنعتی^۴ و نیز توزیع^۵ به بحث کشیده است.

1. Social Inclusion
2. Data Envelopment
3. Construction
4. Manufacturing
5. Distribution

بخش دوم کتاب با عنوان گروه‌های به لحاظ ساختاری آسیب‌پذیر در برابر طرد اجتماعی، شامل فصل ۳ است. فصل ششم که طرد اجتماعی و تخلف^۱ نام گرفته، به این مسأله پرداخته که طرد اجتماعی، هم برای کسانی که قربانی آن تلقی می‌شوند و هم برای جریان غالب جامعه که در معرض پیامدهای منفی وجود گروه‌های مطرود و حاشیه‌ای قرار دارند، بهای سنگینی دربردارد. ارتکاب خلاف، اغلب با شاخص‌های دیگر طرد، مانند بیکاری، سوء مصرف الکل و مواد مخدر، و سلامت ذهنی و فیزیکی در ارتباط است. این فصل، مدلی تکوینی^۲ از رفتار خلافکارانه را به‌کار می‌گیرد که متکی بر مفهوم توسعه سرمایه انسانی است. به باور نویسنده (روجر بولز^۳)، نگرستن به تخلف از منظر طرد اجتماعی، در قیاس با این که جرم و تخلف را تنها ناشی از اجبار بدانیم، درک بهتری در خصوص ارتکاب جرم فراهم می‌آورد. فصل هفتم که عنوان آن معلولیت و طرد اجتماعی است، تحلیلی اقتصادی از مسأله معلولیت به دست می‌دهد و به ویژه، تمایز میان معلولیت‌هایی که محدودیت شغلی ایجاد می‌کنند و معلولیت‌هایی که این‌گونه نیستند را مورد توجه قرار می‌دهد. بخشی از فصل نیز به ارزیابی سیاست‌هایی اختصاص یافته که میزان شمول اجتماعی معلولین را افزایش می‌دهند. در کشورهای مختلف، این که افراد، معلولیت خود را اعلام کنند یا خیر، بستگی به میزان سلامت و محدودیت‌های کارکردی‌شان دارد و نیز هنجارهای فرهنگی و انگیزه‌هایی که توسط چارچوب‌های نهادی و سیاست‌گذاری به وجود می‌آیند. علاوه بر این، وضعیت نامطلوب معلولین از حیث مشارکت در بازار کار، دستمزدهای نسبی، ساعات کار و نامتناسب بودن مهارت‌ها باید مورد توجه قرار گیرد.

عنوان فصل هشتم کتاب، پرداخت مقرری کشوری معلولیت به مثابه ابزاری برای سیاست‌گذاری ضد فقر است. این فصل با تمرکز بر کشور ایتالیا به این مسأله پرداخته که این مقرری‌ها بیشتر از این که با خود معلولیت به عنوان بیماری در ارتباط باشد، با نرخ بیکاری و فقر در نواحی مختلف در ارتباط است. یکی از موضوعاتی که در این فصل در زمینه توزیع این مقرری‌ها بدان توجه شده، قانون‌گذاری در سطح ملی و اجرا و اداره کردن اقدامات در سطح محلی است. به عبارت دیگر، قواعد حاکم بر توزیع این مقرری‌ها در سطح ملی تعریف می‌شوند، در حالی که کاربست این قواعد به کمیته‌ها یا نهادهای پزشکی و اجرایی محلی سپرده شده است؛ نهادهایی که

-
1. Offending
 2. Generic
 3. Roger Bowles

صلاحیت تفسیر این قواعد کلی و عمومی را دارند و می‌توانند شرایط اقتصادی-اجتماعی محلی را در راهبردهای خود مورد توجه قرار دهند. منتقدان، از جمله به مشکلات فنی پرداخت این مقرری‌ها و انعطاف‌ناپذیری آن‌ها اشاره کرده و ثابت بودن مقرری‌ها به رغم تغییر شرایط اقتصادی دریافت‌کنندگان آن‌ها را نشانگر نامناسب بودن سیاست پرداخت مقرری (به عنوان ابزاری برای حمایت از درآمد معلولین) دانسته‌اند.

بخش سوم کتاب با عنوان بحران اقتصادی، بازارهای کار و طرد اجتماعی، ۴ فصل را دربرمی‌گیرد. در فصل نهم که بیکاری، دلسردی^۱ و اشتغال ناقص^۲ در ایتالیا در طول بحران جهانی و پس از آن نام گرفته، با نگاهی به داده‌های رسمی، از تأثیر بحران اقتصادی بین‌المللی بر اشتغال و درآمد مزدبگیران و مستمری‌بگیران بحث شده است. همچنین در مبحث اشتغال ناقص، از تغییر دوره‌ای کار و بیکاری (عدم فعالیت اقتصادی) سخن به میان آمده که موجب شده ارزیابی وضعیت بازار به سختی صورت گیرد. یکی از راهکارهای نویسندگان (لئونلو ترونتی و ریکاردو گاتو)^۳ برای خروج از این وضعیت، اصلاح نظام پرداخت مقرری به بیکاران است. این اقدام، علاوه بر فراهم آوردن حمایت درآمدی برای آن‌ها که شغل خود را به علت بحران اقتصادی از دست داده‌اند، سازمان‌دهی دوباره بخش تولید را سرعت می‌بخشد. آنچه در اصلاحاتی از این دست از اهمیت برخوردار است، روشن شدن منافع و نقش‌های حکومت و شرکای اجتماعی^۴ (درون یک چارچوب توسعه و سیاست‌گذاری صنعتی جدید) است. فصل دهم با عنوان فقر و بیکاری، با نگاهی به دو کشور ایتالیا و اسپانیا، هزینه‌های حاصل از بیکاری را مورد بررسی قرار داده است. انتخاب این دو کشور، از جمله به دلیل تفاوت‌های عمده در ساختار بازار کار آن‌ها و واکنش‌شان به بحران اقتصادی و مالی صورت گرفته است. چندوچونی سیستم‌های بیمه بیکاری و تأثیر بحران اقتصادی بر رفاه خانوارها، از جمله مباحث این فصل است. سیستم‌های حمایت از بیکاران در این دو کشور، نیازمند اصلاح‌اند؛ هم از این نظر که نمی‌توانند تغییر چندانی در نرخ اشتغال به وجود آورند و هم از این جنبه که قادر نیستند احتمال فقیر شدن افراد را در سطحی پایین نگه دارند.

1. Discouragement
2. Semi-Employment
3. Leonello Tronti and Riccardo Gatto
4. Social Partners

در فصل یازدهم با نام گذارهای^۱ بازار کار در طول بحران مالی، به منظور شناسایی عواملی که تعیین‌کننده این گذارها هستند، دو راهبرد مطرح شده است: راهبرد اول، ناظر بر شرایط واقعی یا قابل‌تصور اشتغال است و به آمارهای سال قبل استناد می‌کند و رویکرد دوم، موسوم به استنباط زیست‌بومی^۲، شکل فصلی داشته و معطوف به شرایط رسمی اشتغال است. تمرکز این فصل بر برخی از گروه‌هاست که تأثیر منفی بحران اقتصادی را کاملاً احساس کرده‌اند؛ گروه‌هایی مانند زنان، جوانان، مهاجران، و سرپرستان خانواده‌ها که از همسر خود جدا شده و مسئولیت فرزندان را برعهده دارند. یکی از مشکلاتی که تحقیق در مورد بازارهای کار با آن مواجه است، عدم دسترسی به داده‌های طولی روزآمد در سطح خرد است. سرانجام در فصل دوازدهم کتاب که عنوان آن پویایی‌های نیروی کار-بازار، و بیکاری است، تحریک نیروی کار در کشور ایتالیا و رابطه آن با بیکاری مورد توجه قرار گرفته است. نویسندگان این فصل (کارلو لوقاری و چیارا موسیدا^۳)، در بررسی تحریک نیروی کار، از دو رویکرد تحلیلی (توصیفی و اقتصادسنجی خرد) استفاده کرده‌اند. در دیدگاه آنان، ویژگی‌های فردی خاص می‌تواند اثرات بحران اقتصادی را کاهش دهد. برای مثال، اگر تجربه کاری با مدرک تحصیلی بالا همراه شود، احتمال رفع بیکاری و یافتن شغل و یا از دست ندادن شغل افزایش می‌یابد و از سوی دیگر، کارگرانی که سن بالاتر و کار قراردادی (موقت یا دائم) دارند، امکان بیکار شدنشان بیشتر است. همچنین احتمال از دست رفتن شغل برای مردان و کارگران تمام‌وقت، کمتر از زنان و کارگران پاره‌وقت است. ماهیت ساختاری بیکاری (و در نتیجه، لزوم مداخلات ساختاری برای خروج از این وضعیت) نیز از جمله مواردی است که در این فصل بر آن تأکید شده است. نویسندگان همچنین در بحث سیاست‌گذاری اقتصادی، از ضرورت تقویت ابزارهای حمایتی (مانند تسهیل دریافت وام از بانک‌ها و بهبود شرایط این وام‌ها) سخن به میان آورده‌اند. این بحث، به نقد کارایی نظام بانکی (از حیث انطباق آن با شرایط اقتصادی کنونی) راه می‌برد. آسان‌سازی بازگشت جوانان به کار و شغل‌شان از طریق قراردادهای شغلی انعطاف‌پذیر و در نظر گرفتن امتیازات مالی خاص برای کارفرمایان توانمند، از دیگر نکاتی هستند که در این فصل مطرح شده‌اند.

1. Transitions

2. Ecological Inference

3. Carlo Lucarelli and Chiara Mussida